

بررسی تواتر قرآن و قرائات

خبر متواتر همواره در علم اصول و درایه از جایگاه بسیار رفیعی برخوردار بوده است به گونه‌ای که اگر شرایط تواتر برای یک خبر محقق شود در علم اصول حجیت آن قطعی است و در علم منطق هم از یقینیات شمرده می‌شود. با بررسی تاریخ جمع‌آوری قرآن کریم و سیر نقل آن تا زمان حاضر درمی‌یابیم که همه شرایط تواتر در مورد قرآن کریم محقق است. بنابراین جایگاه حجیت و صحت آن بسیار سترگ بوده و قابل خدشه نمی‌باشد. علاوه بر دلایل گوناگونی که برای تواتر قرآن اقامه شده است، احادیث و تأییداتی هم از جانب اهل بیت علیهم‌السلام بر تواتر و حجیت قرآن موجود به ما رسیده است که استحکام استدلال‌ها را صد چندان می‌کند. آنچه از این گفتار استفاده می‌شود این است که قرائت‌های هفت‌گانه به تواتر از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل نشده است و گرنه رد آن‌ها هرگز جایز نبوده و همچنین متواتر بودن قرآن ارتباطی با قرائات سبعة ندارد و بحث از تواتر قرآن و قرائات هفت‌گانه دو بحث از هم منفک می‌باشند. این نوشتار در پی بیان اثبات متواتر بودن قرآن و عدم تواتر قرائات است.

واژه‌های کلیدی: تواتر قرآن، تواتر قرائات، حدیث سبعة أحرف، قراء سبعة.

دکتر رقیه صادقی نیری

دانشیار
دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
rsadeginiri@yahoo.com

معصومه میرزاجانی بیجارپسی

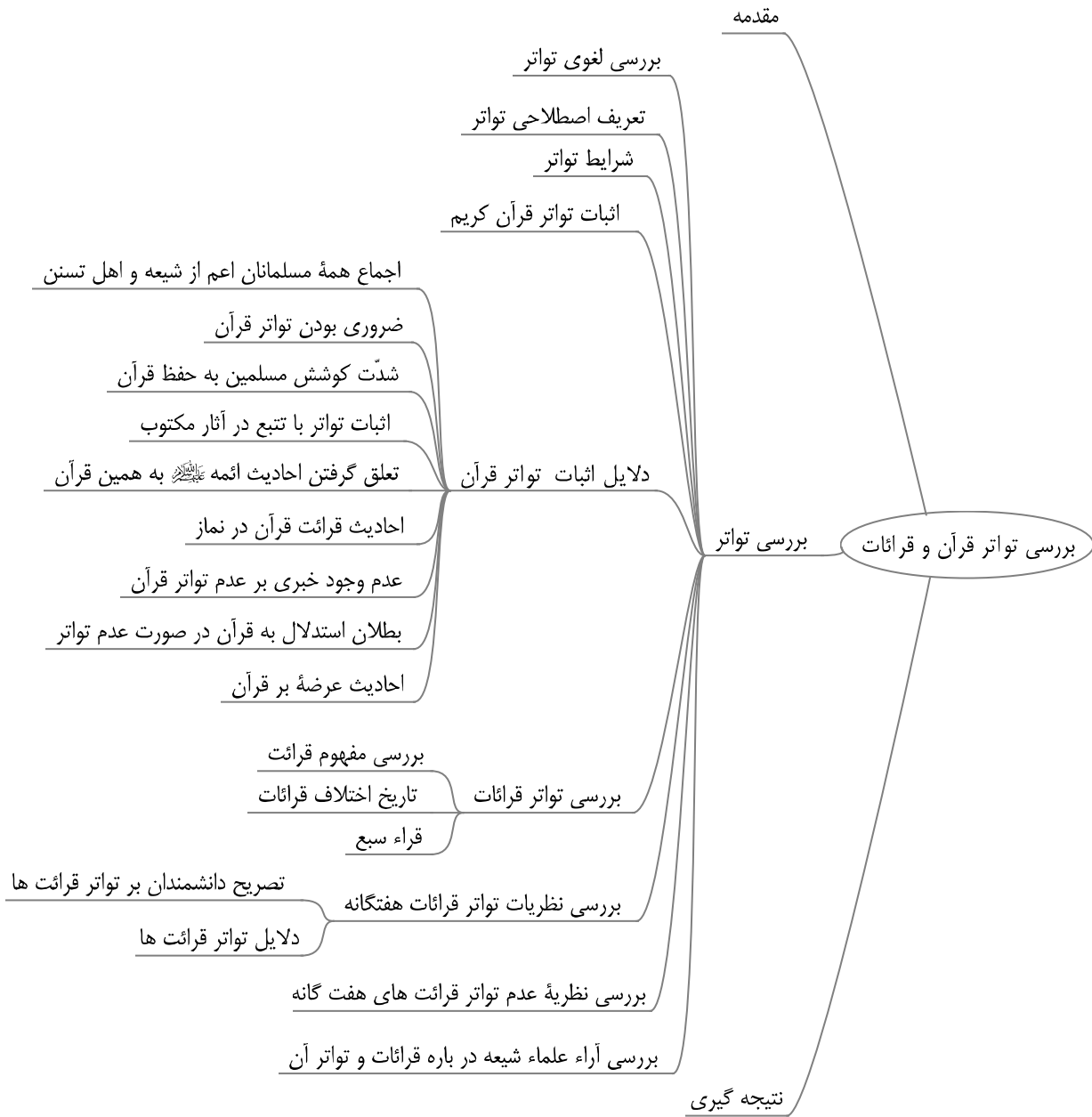
(نویسنده مسئول)
دانشجوی دکتری علوم قرآن و
حدیث
دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل
M_mirzajani22@yahoo.com

رقیه رجبی

دانشجوی دکتری علوم قرآن و
حدیث
دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل
roghayehrajabi89@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۵



۱. مقدمه

وقتی به جایگاه قرآن کریم در اندیشه‌های دینی و معارف مسلمانان می‌نگریم درمی‌یابیم که بایستی توجه و همّت زیادی از طرف علما و اندیشمندان مسلمان نسبت به تاریخ قرآن نشان داده شود و تمامی زوایای سیر تطور قرآن کریم تا عصر حاضر مورد بررسی قرار گیرد. در حالی که بررسی تاریخ قرآن و روند رسیدن آن به دست ما از اساسی‌ترین مباحث دینی است؛ چرا که اگر حجیت و صحت قرآن کریم ثابت نشود، مبنای همه معارف زیر سؤال خواهد رفت و دیگر مجالی برای بحث‌های مفصل فقهی و اصولی باقی نخواهد ماند.

لذا اثبات حجیت قرآن جایگاهی بس رفیع و مهم می‌یابد. بحث تواتر قرآن کریم همواره به عنوان یکی از دلایل حجیت و عدم تحریف قرآن در کتاب‌های مختلف مطرح شده است و با اثبات آن بر صحت آیات قرآن احتجاج شده است. یکی از مباحث مهم در حوزه قرآن‌پژوهی، بحث قرائات قرآن کریم است که بنابه دلایلی، اختلاف در آن راه یافته است و این اختلاف، در تفاسیر قرآن و در احکام فقهی وارد شده است.

این مقاله در پی آن است که تواتر قرآن کریم و متواتر بودن قرائات را مورد بررسی قرار دهد. سؤال مطرح شده در این مقاله این است که آیا قرآن متواتر است؟ آیا قرائات قرآن متواتر هستند؟ آیا میان قرآن و قرائات تفاوت وجود دارد؟

۲. بررسی تواتر

۲.۲. بررسی لغوی تواتر

تواتر در لغت از ریشه (و، ت، ر) است که به باب «تفاعل» رفته است و به معنای در پی هم آمدن بلافاصله و بدون انقطاع است. «متواتر در لغت، آمدن یکی پس از دیگری بلافاصله است ... و در اصطلاح علم‌الحديث منظور خبر جماعتی است که - فی حدّ نفسه نه به ضمیمه قراین - اتفاق آنان بر کذب محال باشد و در نتیجه موجب علم (یقین) به مضمون خبر شود. و خبری که یک یا چند نفر نقل کرده باشند، واحد یا آحاد نامند که غالباً گفته آنان یقین‌آور نمی‌باشد» (رکنی، ۱۳۷۹ش، ص ۴۷).

۲.۲. تعریف اصطلاحی تواتر

حال برای تعریف اصطلاحی تواتر به ذکر قول برخی از علمای اصول می‌پردازیم:

شرح المبادی: خبر متواتر خبری است که بنفسه برای انسان علم‌آور باشد. پس خبری که همراه قرائن مفید علم باشد، متواتر نیست (نک: دانشنامه جهان اسلام، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۶۹۰۵).

الوافیه: عبارت است از خبر جماعتی که در کثرت به حدی رسیده‌اند که امکان ندارد توطی بر کذب کرده باشند. مثل کسانی که از وجود مکه خبر می‌دهند (البشروی الخراسانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۵۵).

البدایه: خبر متواتر خبری است که راویان آن به حدی زیادند که توطی و اجتماع آنها بر دروغگویی منتفی باشد و این انتفاء توطی بر کذب، در همه طبقات روایت حاصل باشد، به این صورت که قومی خبری را از قوم دیگری نقل کنند تا به سرچشمه روایت برسد (مجاهد، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۹۷).

با توجه به این بخش کوچک از تعریف‌های نقل شده در کتب اصولی می‌توان دریافت که تواتر چند رکن اساسی دارد: اولاً کثرت تعداد راویان در هر طبقه از روایت؛

ثانیاً: اینکه کثرت باید به حدی باشد که احتمال اینکه راویان از قبل اجتماع کرده باشند تا خبر کذبی به ما برسانند را منتفی کند؛

ثالثاً: آنکه همین کثرت راویان، به تنهایی برای ما مفید علم به صحّت خبر باشد و برای تصدیق آن نیازی به انضمام قرائن دیگر نباشد.

با توجه به قیود مطرح شده، می‌توانیم این چنین تعریفی برای خبر متواتر بیان کنیم:
خبر متواتر خبری است که تعداد راویان آن در هر طبقه به قدری زیاد هستند که امکان اجتماع راویان بر دروغ‌گویی منتفی باشد.

۳.۲. شرایط تواتر

علمای علم اصول و منطق برای تحقق و علم‌آور بودن تواتر شرایطی را ذکر کرده‌اند:

۱. مخبرین به حدی برسند که عادتاً توطی بر کذب آن‌ها ممتنع باشد. یعنی کسانی که خبری را به ما می‌دهند آنقدر تعدادشان زیاد باشد که ما حتی این احتمال را هم ندهیم که اخبار آن‌ها حاصل نقشه و تبانی آن‌ها بر دروغ‌پراکنی است.
۲. علم مخبرین نسبت به واقعه‌ای که از آن خبر می‌دهند از طریق حس به دست آمده باشد: یعنی مخبرین اتفاق یا واقعه‌ای که از آن خبر می‌دهند را با یکی از حواس ظاهری خودشان درک کرده باشند. بنابراین اگر علم آن‌ها به چیزی غیر از حس مثل حدس یا عقل مستند باشد، تواتر حاصل نخواهد شد.
۳. در صورتی که طبقات خبر متعدد است، تعداد راویان در همه طبقات باید به کثرت معتبر برسد تا تواتر قطع نشود و در همه طبقات ادامه یابد. چرا که خبر هر طبقه‌ای یک خبر مستقل به حساب می‌آید.

۴. دریافت‌کننده و شنونده خبر به مضمون آن آگاهی نداشته باشد. چرا که اگر سامع نسبت به مضمون خبر آگاه باشد خبری که به او رسیده است یا عین علم قبلی اوست که تحصیل حاصل می‌شود یا مثل آن است که اجتماع مثلین خواهد بود که هر دو محال اند.
۵. مخبرین، علم قطعی به آنچه از آن خبر می‌دهند داشته باشند، نه اینکه به آن مظنون باشند. چرا که حتی با اجتماع ظنون نامتناهی هم علم حاصل نمی‌شود.
۶. سامع خبر نسبت به مضمون خبر شبهه سابقه، یا تقلید از غیر در نفی آن، نداشته باشد. چرا که اگر اینگونه باشد علمی برای او از طریق تواتر بدست نخواهد آمد زیرا این علم به اختلاف احوال افراد مختلف می‌باشد و اگر فردی به نقیض آن معتقد باشد، هیچگاه این علم برایش حاصل نمی‌شود. البته لازم به ذکر است عدم حصول علم در این مورد به دلیل آن شبهه یا تقلید است و اگر این‌ها نباشند، قطعاً به واسطه تواتر علم حاصل خواهد شد (محمدآبادی، ۱۳۸۶ش، ص ۲).

۴.۲. اثبات تواتر قرآن کریم

در دوران نزول قرآن کریم وقتی آیه‌ای بر پیامبر اکرم ﷺ نازل می‌شد عده‌ای از صحابه به حفظ آیات پرداختند و عده‌ای دیگر که قدرت خواندن و نوشتن داشتند آیات را کتابت می‌کردند (حجتی، ۱۳۸۶ش، ص ۲۸).

پس از ایشان اقدامات زیادی از طرف اشخاص گوناگون برای جمع‌آوری قرآن به صورت مجموعه‌ای واحد انجام گرفت. اما این گوناگونی با توجه به گسترش وسعت جغرافیایی اسلام تا جایی پیش رفت که در هر خطّه از مملکت اسلامی نسخه‌ای از قرآن وجود داشت که اختلافاتی هر چند جزئی با نسخه مناطق دیگر داشت؛ تا اینکه در زمان خلیفه سوم، او به منظور از بین بردن این اختلافات همه نسخه‌ها را جمع کرد و با تشکیل یک گروه اقدام به یکسان‌سازی مصاحف موجود یا همان «توحید مصاحف» کرد و چند نسخه از این مصحف واحد و یکسان‌سازی شده را به مناطق

مختلف سرزمین اسلامی فرستاد و دیگر اوراق قرآنی را از بین برد. در بین متکلمین اشکالی نسبت به تحریف یا عدم تواتر قرآن بعد از توحید مصاحف وجود ندارد، لکن محل بحث و نزاع در مورد قبل از توحید مصاحف است و این که آیا همان قرآن نازل شده بر پیامبر ﷺ بین مسلمین رواج یافت یا اینکه با تغییرات و احیاناً تحریفاتی رو به رو شد (حرعاملی، ۱۳۸۴ ش، ص ۳۲). ما در این مقاله در صدد اثبات این مدعا هستیم که همان قرآن بدست ما رسیده است و تواتر قرآن نازل شده بر پیامبر ﷺ تا زمان توحید مصاحف حفظ شده است.

۵.۲. دلایل اثبات تواتر قرآن

۱.۵.۲. اجماع همه مسلمانان اعم از شیعه و اهل تسنن

همه مسلمانان درباره تواتر بودن قرآن کریم اتفاق نظر دارند. اساساً حجیت قرآن به عنوان مهم‌ترین منبع معارف دینی، جز با تواتر و قطعیت صدور آن، ثابت نمی‌گردد. آیت‌الله خوئی در این باره می‌گوید:

«همه مسلمانان از همه فرقه‌ها و مذاهب، در اینکه ثبوت قرآن، منحصرأً با تواتر امکان‌پذیر است؛ اتفاق نظر دارند» (همو، ۱۳۵۰ ش، ص ۱۲۳).

از نظر قواعد علم اصول فقه هم اجماعی که بر تواتر قرآن شکل گرفته است، حجت می‌باشد. همه علمای فریقین بر تواتر قرآن اتفاق نظر دارند و جز عده‌ای که معلوم‌النسب هستند، مخالف دیگری در این باره وجود ندارد. که با توجه به اجماع کلی و معلوم‌النسب بودن مخالفین، شرایط اجماع حاصل می‌شود. در نتیجه کشف می‌شود که قول معصوم هم همین است و وقتی اجماع کاشف از قول معصوم باشد، حجت خواهد بود.

۲.۵.۲. ضروری بودن تواتر قرآن

متواتر بودن قرآن و مصون بودن آن از تغییر و نقصان یا راه یافتن زیاده در آن، از ضروریات دین است. یعنی اگر قرآنی که در اختیار امت قرار می‌گیرد، غیر از قرآن نازل شده باشد، غرض و مقصود اصلی از نزول قرآن که همانا هدایت یافتن مردم به واسطه آن است، نقض خواهد شد و در مورد خدا و دین خدا چنین امری (نقض غرض) محال است. اگر اشکال شود چگونه ادعای اجماع و ضرورت بر تواتر می‌کنید در حالی که عده‌ای آن را قبول ندارند، جواب این است که همان‌طور که گفتیم از شرایط علم‌آور بودن تواتر این است که سامع تواتر شبهه سابقه نسبت به مضمون تواتر نداشته باشد، در حالی که در این مورد شبهه موجود در ذهن مخالفین موجب علم‌آور نبودن تواتر برای آنان شده است.

۳.۵.۲. شدت کوشش مسلمین به حفظ قرآن

قرآن، معجزه نبوت و منبع دریافت علوم شرعی و احکام دینی است و عامه مسلمین در حفظ و حراست از قرآن نهایت کوشش خود را به کار بستند، به گونه‌ای که هر چیز خلافی از جمله اعراب، قرائت، حروف و آیات را تشخیص می‌دادند. با این حال چگونه امکان دارد چیزی در آن تغییر داده شود یا از آن حذف شود و مسلمین نسبت به آن بی‌تفاوت یا ناآگاه باشند؟

همان‌گونه که در مورد آثار برخی نویسندگان محتوای اصلی آن کاملاً واضح و شناخته شده است و اگر بخشی به آن اضافه شود کاملاً آشکار خواهد بود و دوستان آن کتاب در حفظ آن کوشا هستند و از تحریف در آن جلوگیری می‌کنند؛ در مورد قرآن کریم این حفظ و حراست بسیار شدیدتر و از طرف همه مسلمانان وجود داشته و دارد (حرعاملی، ۱۳۸۴ش، ص ۴۰). آیت‌الله خویی در این‌باره می‌گوید: «بسیاری از علمای شیعه و اهل تسنن چنین استدلال کرده‌اند که، چون قرآن پایه و اساس دین و معجزه الهی بوده است؛ دواعی و انگیزه‌ها برای نقل آیات آن فراوان بوده است و هر چیزی که انگیزه برای نقل آن زیاد باشد، ناگزیر باید متواتر باشد» (همو، ۱۳۵۰ش، ص ۱۲۴).

۴.۵.۲. اثبات تواتر با تتبع در آثار مکتوب

با تحقیق و جست و جو در آثار مکتوب حدیثی، تاریخی و غیره درمی‌یابیم چون صحابه قرآن را هنگام نزول از پیامبر ﷺ دریافت می‌کردند و برای مردم نقل کردند و پس از آن‌ها تابعین هم به این کار ادامه دادند؛ قرآن در حد اعلای تواتر و شهرت قرار داشته است.

۵.۵.۲. تعلق گرفتن احادیث ائمه علیهم‌السلام به همین قرآن

احادیث بسیاری از سوی اهل بیت علیهم‌السلام وجود دارد که به همین قرآن موجود تعلق گرفته است. مثل امر به تعلم قرآن، خواندن قرآن یا بیان ثوابی که در خواندن هر حرف از قرآن وجود دارد. این در حالی است که اگر زیاده یا تحریفی در قرآن وجود داشت، امر به خواندن آن قبیح بود و خواندن آن به نیت قرآن نازل شده از طرف خدا، حرام بود. اما تعلق گرفتن اوامری از طرف اهل بیت علیهم‌السلام به همین قرآن مسلم است. پس امکان رهیافت تحریف یا زیاده در قرآن منتفی است.

۶.۵.۲. احادیث قرائت قرآن در نماز

احادیث متواتری وجود دارد که امر به خواندن سوره‌های مخصوص یا به طور کلی خواندن سوره در نمازهای واجب و مستحب کرده است. تا جایی که برای خواندن بیشتر سوره‌های قرآن در نماز فضیلتی ذکر شده است. حال چگونه می‌شود بین این روایات و فرض تحریف یا ورود زیاده در قرآن جمع کرد، در حالی که ما می‌دانیم خواندن غیر قرآن در نماز موجب بطلان نماز می‌شود؟ در حالی که اگر امری موجب بطلان نماز باشد، حتماً ائمه علیهم‌السلام طبق وظیفه‌شان آن را به شیعیان تعلیم می‌دادند. پس امر به خواندن سوره‌های همین قرآن در نماز، نشانگر عدم تحریف و زیاده و در نتیجه تواتر قرآن می‌بریم.

۷.۵.۲. عدم وجود خبری بر عدم تواتر قرآن

در نقل‌های تاریخی احوال جزئیّه و محاورات بین صحابه و تابعین که بعضاً حتی ارزش و فائده‌ای هم ندارد وارد شده است. بنابراین اگر حلقهٔ اتصال و تواتر قرآن کریم قطع می‌شد، حتماً در نقل‌های تاریخی به آن اشاره می‌شد. در حالی که هیچ نقلی در این باره وجود ندارد.

۸.۵.۲. بطلان استدلال به قرآن در صورت عدم تواتر

اگر قرآن متواتر نباشد و دچار تحریف یا ورود زیاده در آن شده باشد، استدلال به قرآن برای اثبات هیچ چیزی صحیح نخواهد بود و نباید به آن اعتماد و اطمینان حاصل کرد و این عدم اطمینان به همهٔ آیات بلکه همهٔ حروف آن سرایت می‌کند، چون در صورت عدم تواتر احتمال تحریف متوجه تک تک اجزای قرآن خواهد بود. در این صورت دیگر هیچ منبع قابل اعتمادی در اسلام وجود نخواهد داشت. اما می‌بینیم که ائمه علیهم‌السلام و علمای اسلام استدلال‌های بی‌شماری برای اثبات مدعای خود، از قرآن آورده‌اند و امرهای زیادی به عمل به قرآن داشته‌اند که از این موارد پی به تواتر قرآن نازل شده بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌بریم.

۹.۵.۲. احادیث عرضه بر قرآن

احادیث زیادی از سوی اهل‌بیت علیهم‌السلام وجود دارد که امر می‌کند برای تشخیص صحت روایات نقل شده از اهل بیت علیهم‌السلام یا هنگام تعارض دو روایت، آن‌ها را بر قرآن عرضه کنیم و آنکه مطابق با قرآن است را بگیریم. این روایات با فرض عدم تواتر قرآن منافات دارد، چرا که اگر قرآن متواتر نباشد خودش اعتبار ندارد. حال چگونه اهل‌بیت علیهم‌السلام آن را معیار پذیرش روایاتشان قرار می‌دهند. چنین کاری از حجّت‌های الهی بعید است، پس عدم تواتر قرآن منتفی است (حرعاملی، ۱۳۸۴ش، صص ۵۴-۵۹).

۶.۲. بررسی تواتر قرائات

۱.۶.۲. بررسی مفهوم قرائت

راغب اصفهانی در معنی قرائت می‌گوید: «القرءة ضمُّ الحروف و الكلمات بعضها الی بعض» (همو، ۱۴۱۲ق، ص ۸۵۳). یعنی: قرائت پیوسته نمودن برخی از حروف و کلمات به یکدیگر است و قرائت در اصطلاح همان خواندن و تلاوت قرآن است و لازمه آن آشنایی با تجوید حروف و آگاهی بر مواضع وقف و وصل است. قرائات جمع قرائت است، و آن مصدر سماعی برای «قرأ» می‌باشد، و در اصطلاح شیوه خاصی است که یکی از امامان قرائت برای تلاوت و نطق به قرآن برگزیده باشد (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ص ۱۲۸) و این وجه تمایزی که در قرائت قاریان است، یا در نطق به خود حروف است، یا در نطق به هیأت حروف (کمالی، ۱۳۷۰ش، ص ۱۶۴).

۲.۶.۲. تاریخ اختلاف قرائات

تاریخ اختلاف قرائت به زمان پیامبر ﷺ بازگشت می‌کند، لذا گرچه حضرت سعی می‌کرد از این موضوع مانع شود لیکن از همان ابتدا اختلاف در قرائت بروز کرد. آنگاه در اثر گسترش اسلام و برخورد با زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف اختلاف قرائت رو به افزونی نهاد تا اینکه در زمان خلیفه سوم احساس شد که اگر به همین منوال پیش برود خطر تحریف قرآن را تهدید می‌کند. خلیفه سوم با تشکیل شورایی تصمیم گرفت قرآنی به عنوان قرآن الگو و امام انتخاب شود و از روی آن نسخه‌هایی استنساخ شده به بلاد مهم و پر جمعیت آن زمان، مثل مکه، شام، بصره، کوفه، بحرین و یمن فرستاده شود و قرآن امام را هم در نزد خود نگهداشت و دستور داد تا تمام قرآن‌های مکتوب را بسوزانند یا در آب جوش محو کنند.

لیکن این اقدام چون بر اساس معیارهای صحیح نبود و نیز دقت کافی در استنساخ این قرآن‌ها انجام نگرفت، نه تنها مشکلی را در رفع اختلاف قرائات حل نکرد بلکه چون نسخه‌ها با یکدیگر شدیداً اختلاف داشته و مشتمل بر غلط‌های

فراوان نیز بودند و با قرائت اصلی و رایج اختلاف داشتند، متداول نشده و در نهایت دیری نپایید که به فراموشی سپرده شدند. لذا نباید گمان کرد که اقدام فردی و یا حتی حکومتی باعث پایان دادن به اختلاف قرائات شد و همه مردم را به یک قرائت برگردانید (معرفت، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۲۹۸). البته همه این اختلافات در حالی بود که قرائت اصلی، در بین عموم مسلمانان متداول بوده و هیچگاه اختلاف قرائت کوچکترین آسیبی به قرائت اصلی وارد نکرده است.

۳.۶.۲. قراء سبع

اختلاف قرائت در کنار قرائت متداول همچنان ادامه داشت و همواره در گوشه و کنار بلاد اسلامی افرادی پیدا می‌شدند که یا بر اساس اعتماد به روایات ضعیف و یا با اجتهاد و سلیقه شخصی، قرائتی را می‌پسندیدند. تا اینکه در زمان خلفای عباسی وقتی «ابن مجاهد» مسئولیت اقرا و قرائت را در دربار عباسی پیدا کرد و توجه همگان را جلب نمود، برای نوعی وحدت بخشیدن و رفع اختلاف قرائات بدون ملاک صحیح هفت نفر از قرا را انتخاب کرد و اجازه نشر این قرائات را داد و بقیه قرائات را ممنوع نمود. آن هفت نفر از این زمان معروف و مشهور به قرا سبع شدند و عبارتند از:

۱. عبدالله بن عامر دمشقی؛ ۲. ابن کثیر مکی؛ ۳. عاصم بن ابی النجود کوفی؛ ۴. ابو عمرو بصری؛ ۵. حمزه کوفی؛ ۶. نافع مدنی؛ ۷. کسائی کوفی (البیلی، بی تا، ص ۷۹). ولی چون اقدام ابن مجاهد بدون ملاک و ترجیح بلا مرجع بود طعن و خرده‌گیری بسیاری شد. لذا به عقیده بسیاری خصوصیتی برای قرا سبعة نیست و قرائت غیر این هفت تن مانند قرا عشره جایز است، بلکه برخی بیشتر قرا عشره را جایز می‌دانند (احمدی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۲۳). دانشمندان اسلامی درباره قرائت‌های هفت‌گانه مشهور آرا و نظریات مختلفی ابراز کرده‌اند؛ عده‌ای از دانشمندان اهل تسنن می‌گویند همه قرائت‌های هفت‌گانه به طور متواتر به شخص رسول خدا ﷺ می‌رسد و پیامبر اسلام ﷺ قرآن را با این قرائت‌های هفت‌گانه می‌خوانده است. بعضی از علما این عقیده را معروف و مشهور دانسته‌اند (آزمین، ۱۳۸۵ش، ص ۴۳۳).

بعضی دیگر پنداشته‌اند هر کس این قرائت‌های هفت‌گانه را متواتر نداند، کفر ورزیده و عقیده او مخالف اسلام است. این نظریه به مفتی اندلس، ابوسعید فرج بن لب نسبت داده شده است. ولی عقیده معروف میان شیعه این است که این

قرائت‌ها متواتر نبوده، به طور یقینی به پیامبر اسلام ﷺ منتهی نمی‌شوند (زرقانی، بی‌تا، ص ۴۳۹)؛ بلکه بعضی از این قرائت‌ها یک نوع اجتهاد خود قاریان بوده است و پاره‌ای دیگر به صورت خبر واحد به پیامبر اسلام ﷺ می‌رسد، نه به طور تواتر. همین نظریه را عده‌ای از محققان و دانشمندان اهل تسنن نیز پذیرفته‌اند (حجتی، ۱۳۸۶ش، ص ۷۴).

۷.۲. بررسی نظریات تواتر قرائات هفت‌گانه

۱.۷.۲. تصریح دانشمندان بر تواتر قرائت‌ها

۱. علامه حلی می‌نویسد: جایز است قرآن را با قرائت هر یک از قراء هفت‌گانه تلاوت نمود، زیرا همه هفت قرائت متواتر است (میرمحمدی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۶۹).
۲. شهید اول (شیخ محمدبن مکی) می‌نویسد: قرائت قرآن مجید، با قرائات متواتره جایز است و گروهی قرائت ابی جعفر، یعقوب و خلف را منع کرده‌اند و اینان، همان مکمل عشره یعنی قراء ده‌گانه می‌باشند، ولی اصح، این است که قرائت این سه نفر نیز مانند آن هفت نفر دیگر جایز است، زیرا قرائت اینان نیز متواتر است (خوئی، ۱۳۵۰ش، ص ۲۳۰).
۳. مشهور بین علماء اهل تسنن، بنابر فرمایش بعضی از علماء، این است که قرائت هر یک از این هفت نفر متواتر است، و ابو شامه در کتاب مرشد می‌نویسد: تمام قرائات هفت‌گانه متواتر است و این معنی در میان قراء متقدم و مقلدان متأخر، شایع است، و حتی گفته‌اند: اعتقاد به این که این قرائات، منزل از جانب خدا است، لازم و فرض است، و ما هم، چنین معتقدیم، لیکن در صورتی که راویان روایت، زیاد و متواتر باشند (ابن الجزری، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶).

۲.۷.۲. دلایل تواتر قرائت‌ها

قائلان به تواتر قرائت‌های هفت‌گانه برای اثبات نظریه خویش دلایلی به قرار ذیل آورده‌اند:

۱. اجماع: متواتر بودن قرائت‌ها اجماعی است و دانشمندان در هر عصر و زمان به متواتر بودن قرائت‌ها عقیده داشته‌اند.

پاسخ: از آنچه در بخش بعدی (دلایل عدم تواتر قرائات) خواهیم آورد بی‌اساس بودن این ادعا کاملاً آشکار می‌شود. همچنین مفهوم اجماع در صورتی صحیح و محقق خواهد بود که پیروان نظریه دیگر با نظریه مورد اجماع، مخالف نباشند؛ ولی این مخالفت درباره قرائت‌های هفت‌گانه وجود دارد؛ زیرا پیروان هریک از این قرائت‌ها پیروان قرائت دیگر را تخطئه کرده، با آن مخالفت می‌ورزند (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱ش، ص ۲۶۴).

۲. اهمیت خاصی که اصحاب پیامبر ﷺ و مسلمانان قرن اول و دوم برای قرآن قائل بودند، مستلزم تواتر همه قرائت‌ها است.

پاسخ: اهتمام مسلمانان به قرآن مجید تواتر خود قرآن را ثابت می‌کند، نه تواتر چگونگی قرائت آن؛ به‌ویژه جایی که قرائت قرآن در میان برخی از قاریان، مبتنی بر اجتهاد یا شنیدن از دیگران است، هرچند از یک نفر باشد (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۶ش، ج ۲، ص ۷۵).

۳. متواتر نبودن قرائت‌های هفت‌گانه مستلزم متواتر نبودن خود قرآن است و چون متواتر نبودن قرآن باطل است، متواتر نبودن قرائت‌های هفت‌گانه نیز باطل خواهد بود؛ زیرا متن قرآن توسط همان قاریان معروف و حافظان به ما رسیده است، و اگر قرائت آنان متواتر باشد، قرآن نیز متواتر خواهد بود، و اگر تردیدی در قرائت آنان باشد، خود قرآن نیز مورد تردید خواهد بود (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۴۸).

پاسخ: اولاً: میان متواتر بودن خود قرآن و قرائت آن هیچ ملازمه‌ای نیست؛ زیرا وجود اختلاف در قرائت یک کلمه منافاتی با وجود اتفاق بر اصل آن کلمه ندارد؛ ثانیاً: آنچه درباره قرآن توسط قاریان به ما رسیده ویژگی قرائت آن‌ها است؛ اما خود قرآن با تواتری به ما رسیده که در میان همه مسلمانان وجود داشته است (حجتی، بی‌تا، ص ۲۶۶).

۴. اگر قرائت‌ها متواتر نباشد، قسمتی از قرآن مانند «ملک» و «مالک» و مانند آن‌ها متواتر نخواهد بود زیرا صحیح دانستن یکی از این دو قرائت و رد دیگری ادعایی است بدون دلیل، بنابراین باید هر دو را متواتر دانست. این دلیل را ابن‌حاجب آورده و عده‌ای نیز در نقل آن از وی پیروی نموده‌اند (خوئی، ۱۳۵۰ش، ص ۲۱۲).

پاسخ: اولاً: اختلاف در قرائت تنها از نظر چگونگی تلفظ و یا ساختمان کلمه می‌باشد و اختلاف در ساختمان کلمه و یا حرکات آن با حفظ اتفاق و تواتر در خود کلمه، منافات با تواتر اصل قرآن ندارد؛ ثانیاً: طبق این دلیل باید تمام قرائت‌ها را متواتر دانست و منحصر نمودن تواتر به قرائت‌های هفت‌گانه ادعایی است بدون دلیل.

۸.۲. بررسی نظریه عدم تواتر قرائت‌های هفت‌گانه

ولی در مقابل اینان، دانشمندانی نیز دیده می‌شوند که قائل به تواتر نیستند که عبارتند از:

۱. ابو شامه می‌نویسد: سزاوار نیست که انسان به مجرد اینکه ببیند قرائتی را به یکی از قراء هفت‌گانه نسبت داده‌اند مغرور شود و به آن عمل نماید تا اینکه می‌گوید: قرائتی که از آنان نقل می‌شود بر دو نوع است مجمع علیه و شاذ (خوئی، ۱۳۵۰ش، ص ۲۰۶).

۲. ابن‌الجزری می‌نویسد: هر قرائتی که با ادبیت، موافق باشد هر چند به وجهی از وجوه، و با یکی از قرآن‌های عثمانی نیز موافق و لو احتمالاً، و سند آن نیز صحیح باشد، پس آن قرائت صحیح است. و اما هرگاه یکی از این ارکان ثلاثه مفقود شود، چنین قرائتی را ضعیف و یا شاذ و باطل می‌گویند چه از قرائات هفت نفر معروف باشد و چه بالاتر از آن‌ها ... و این معنا، از سلف و خلف به ما واصل شده و امام حافظ ابو عمرو عثمان بن سعید دانی نیز بر آن تصریح کرده است (همو، ۱۳۵۰ش، ص ۲۰۶).

سیوطی می‌گوید: بهترین سخن درباره قرائت‌ها همان است که استاد اساتید ابوالخیر بن جزری که پیشوای قاریان در دوران خویش بود، در اول کتاب‌النشر گفته است: هر قرائت صحیح دارای سه شرط است: مطابقت با قواعد عربی، موافقت با یکی از نسخه‌های قرآن عثمانی، صحت سند (سیوطی، بی‌تا، ص ۲۵۸).

۳. رافعی در اعجازالقرآن می‌نویسد: قرائات این هفت نفر، مورد اتفاق و اجماع می‌باشد و آن‌ها حجت‌اند بالاتفاق و بالاجماع، نه اینکه این‌ها قرائت پیغمبر اسلام ﷺ هستند که وسیله تواتر برای ما معلوم شده است و سپس اضافه

می‌کند: جهت اینکه اکتفاء به هفت نفر کردیم این است که اینان، مشهور به وثوق و امانت‌اند و دارای طول عمر می‌باشند (میرمحمدی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۷۰).

دلایل عدم تواتر قرائت‌ها

قرآن به اتفاق همه مسلمانان متواتر است ولی در تواتر قرائت‌ها اقوال مختلفی وجود دارد که به نظر ما این قرائت‌ها متواتر نمی‌باشند و دلایل زیادی عدم تواتر قرائت را تأیید می‌کند که اینک قسمتی از آن‌ها را در اینجا می‌آوریم:

۱. بررسی شرح حال راویان قرائات، سبب قطع و یقین به این می‌شود که این قرائت‌ها برای ما به صورت خبر واحد نقل شده‌اند، نه متواتر. علاوه بر این، وثاقت برخی راویان این قرائت‌ها ثابت نیست.

۲. دقت و تدبّر در اینکه این قاریان چگونه و از کجا این قرائت‌ها را فراگرفته‌اند، ثابت می‌کند این قرائت‌ها برای خود قاریان نیز به صورت خبر واحد نقل شده است، نه متواتر.

۳. اگر فرض کنیم روایت راویان قرائت‌ها در هر طبقه به حد تواتر رسیده و از افرادی بوده‌اند که هرگز بر دروغ اجتماع نمی‌کنند، باز هم سند روایت که به قاریان می‌رسد، تواتر آن قطع می‌شود و به صورت خبر واحد درمی‌آید (معرفت، ۱۳۸۲ش، ص ۱۵۲).

۴. هر یک از قاریان و پیروان آنان، بر صحت قرائت خویش دلایلی می‌آورند و با آن‌ها به قرائت‌های دیگر اعتراض می‌کنند. خود این عمل نشان می‌دهد این قرائت‌ها مستند به اجتهاد و نظریه خاص خود قاریان است (خوئی، ۱۳۵۰ش، ص ۲۰۴).

۵. عده‌ای از دانشمندان بزرگ، بخشی از قرائت‌های معمول را انکار می‌کنند؛ چنانکه ابن جریر طبری قرائت ابن‌عامر را انکار می‌کند، و بعضی از علما هم قرائت حمزه را مورد طعن و ایراد قرار داده، و بعضی دیگر قرائت ابوعمر و

پاره‌ای قرائت ابن کثیر را مردود شناخته‌اند. این انکار خود دلیل روشنی بر عدم تواتر قرائت‌ها است؛ زیرا با متواتر بودن قرائت جایی برای نفی و انکار باقی نمی‌ماند (جزایری، بی‌تا، ص ۱۰۶).

دو عامل مهم در اینجا وجود داشته است که علیرغم وضوح و روشنی عدم تواتر قرائت‌ها، بعضی چنین توهمی را نموده‌اند: اولین عامل یعنی خلط میان قرآن و قرائات. بعضی از افراد که نگرش سطحی داشته‌اند در مورد قرائات همان نظر را داده‌اند که در تواتر خود قرآن قایل بوده‌اند؛ در حالی که نص قرآنی چیزی است و نحوه قرائت این نص، چیز دیگر. قرآن عبارت است از وحی‌ای که برای بیان و اعجاز بر پیامبر ﷺ نازل شده است؛ اما قرائات عبارت است از: اختلاف الفاظ همین وحی در کتابت حروف یا کیفیت آن‌ها. از این مطلب نکته دیگری روشن شد قرائت قراء سبع سند معتبری ندارد تا چه رسد به تواتر آن‌ها.

لذا ادعای تواتر قرآن هیچگونه ربطی به تواتر قرائات سبعة ندارد و آنچه مسلم است در نزد محققین، تواتر قرآن است نه تواتر قرائات مختلف (جوان آراسته، ۱۳۸۰، ص ۲۵۵). مرحوم بلاغی نیز می‌فرماید: «قرائات هفت‌گانه و نیز ده‌گانه، به روایات آحاد است و سبب اطمینان نیست» (البلاغی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۲۹).

عامل دوم خلط میان قرائت‌ها و احرف سبعة است. بعضی قرائت‌های قرآنی سبعة را همان احرف سبعة‌ای دانسته‌اند که براساس روایات اهل تسنن قرآن بر هفت‌حرف نازل شده است؛ در حالی که هیچ ارتباطی میان این دو وجود ندارد. در قرائت قاریان هفت‌گانه نیز، قرائاتی شاذ دیده شده که ائمه فن به آن تصریح نموده‌اند (مودب، ۱۳۷۸، ش، ۱۵۲).

دکتر صبحی صالح در انتقاد از ابن‌مجاهد در مورد انحصار قرائات در هفت قرائت می‌گوید: بسیاری با توجه به این عدد، توهم نمودند که این قرائات همان احرف سبعة‌ای هستند که در حدیث نبوی وارد شده است (صبحی صالح، ۱۳۷۲، ص ۲۴۹).

بررسی روایات نشان داده است که تمام آن روایات از نظر سند مخدوش هستند، یعنی سند این اخبار حتی در رجال عامه ضعیف شمرده شده، و معارض با اخبار دیگری است که نقل کرده‌اند در معنای سبعة احرف در خود اخبارش اختلاف

است و هیچ روایت صحیحی که دلالت کند قرآن بیش از یک نوع اعراب و قرائت دارد موجود نیست (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰، ص ۴).

چنانکه ابن‌جزری در معنای این روایات می‌گوید: من قرائت‌های مختلف را تحقیق کردم، به این نتیجه رسیدم که اختلاف قرائات از هفت نوع بیش‌تر نیست:

۱. اختلاف در حرکات بدون تغییر در معنا؛

۲. اختلاف در تغییر معنا؛

۳. تغییر در حروف و معنا بدون تغییر در کلمه؛

۴. عکس فرض سوم؛

۵. تغییر معنا و صورت؛

۶. تغییر به تقدیم و تأخیر؛

۷. تغییر به زیاده و نقصان.

آنگاه مشابه همین معنا را از رازی نقل می‌کند و نیز همین را از ابن‌قتیبه نقل و تأیید و تحسین می‌نماید (همو،

بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶). زرکشی می‌گوید: «اختلاف قرائت به هفت چیز بازگشت دارد:

۱. اختلاف در اعراب بدون تغییر معنا؛

۲. اختلاف در اعراب با تغییر در معنا؛

۳. تبدیل حروف؛

۴. تغییر صورت کلمه در نوشتن؛

۵. تغییر در صورت و معنا؛

۶. تقدیم و تأخیر؛

۷. زیاده و نقصان» (زرکشی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۶).

مضمون روایات احرف سبعة لطمه‌ای به قرائات سبعة وارد نمی‌کند یا ارتباطی به قرائات سبعة ندارد، بلکه اختلافات غیر قرا سبع هم به همین هفت مورد بازگشت می‌کند. اما عمده سخن در مورد روایات سبعة آن است که فاقد سند صحیح می‌باشند.

تمام مسلمانان با وجود اختلافات زیاد فکری و عقیدتی، در این مطلب اتفاق نظر دارند که راه ثابت شدن قرآن منحصر به تواتر است و قرآن مجید تنها از راه تواتر و نقل‌های فراوان و یقین‌آور ثابت شده است و راه دومی هم ندارد. عدۀ زیادی از دانشمندان شیعه و اهل تسنن بر این مطلب چنین استدلال کرده‌اند: با توجه به این که قرآن اساس اسلام و معجزۀ آسمانی برای گواه نبوت است، بدین جهت از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، به طور طبیعی علل و انگیزه‌ها برای نقل آن، در میان مسلمانان زیاد بوده است. هر خبر که از چنین اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار باشد، علل و دواعی بر نقل آن زیاد باشد، طبیعتاً فراوان نقل می‌شود و به حد تواتر می‌رسد و نقل‌کنندگان آن بیشتر خواهد بود. بنابراین هر سخنی که به طور تواتر نقل نشود، بلکه به صورت «خبر واحد» باشد، معلوم است که آن سخن جنبۀ قرآنی نداشته، از اهمیت برخوردار نبوده است و این است که از قرآن محسوب نمی‌شود.

با این بیان به خوبی روشن می‌شود که اگر سخنی با خبر واحد نقل گردد و به خدا نسبت داده شود، دلیل قطعی بر این است که آن سخن کلام خدا نیست و از قرآن محسوب نمی‌شود و هنگامی که دروغ بودن آن ثابت گردید، حکمی هم که از چنین آیه استفاده شود، قابل تعبد نمی‌باشد و امکان ندارد که عمل کردن به چنین حکمی شرعاً واجب و لازم باشد.

به هر صورت تمام مسلمانان در این مطلب اتفاق نظر دارند که ثابت شدن آیات قرآن، تنها از راه تواتر و نقل‌های پیاپی و یقین‌آور می‌تواند باشد و از طرف دیگر معلوم است که در میان متواتر بودن آیات قرآن با متواتر بودن قرائت‌ها، کوچک‌ترین ارتباط و ملازمه‌ای وجود ندارد. ممکن است در عین این که خود آیات قرآن متواتر باشند، قسمتی و یا تمام

قرائت‌های هفت‌گانه متواتر نباشند، زیرا متواتر بودن قرآن دلیل بر تواتر قرائت‌ها نیست، چنانکه دلایل نفی تواتر قرائت‌ها دلیل بر عدم تواتر آیات قرآن نمی‌تواند باشد (حسینی، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۴۰۰).

۹.۲. بررسی آراء علماء شیعه در باره قرائات و تواتر آن

۱. اختلاف در قرائات قابل اسناد به پیامبر خدا ﷺ نمی‌باشد، چون آن حضرت فرموده‌اند: «لو أن الناس قرؤوا القرآن كما أنزل ما اختلف اثنان» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۴۸). یعنی: اگر مردم قرآن را آنگونه که نازل شده است قرائت نمایند دو نفر نیز اختلاف نکنند و قابل اسناد به ائمه علیهم السلام نیز نیست، چون در حدیث معتبر از امام باقر علیهما السلام نقل است که آن حضرت فرمودند: «إن القرآن واحد نزل من عند واحد ولكن الاختلاف يجي ء من قبل الرواه» (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۷۹). یعنی: قرآن یک قرائت دارد که از سوی خدای واحد نازل گشته است. اما اختلاف (در قرائت آن) از ناحیهٔ راویان قرآن ناشی شده است (معرفت، ۱۳۸۲ش، ص ۱۵۲).

۲. سکوت ائمه هدی علیهم السلام در مقابل اختلاف در قرائات نشان تأیید آن نیست چون آن بزرگان از باب تقیه گاهی همراهی‌هایی نموده‌اند ولی آنجا که از ناحیهٔ مخالفین مطالبی به پیامبر خدا ﷺ نسبت داده می‌شد که آثار زیانبار و گرانی برای اسلام داشت به شدت در مقابل آن ایستاده و آن را مردود اعلام نموده‌اند. مانند: پاسخ حضرت امام صادق علیهما السلام به سؤالی دربارهٔ نزول قرآن بر هفت حرف که آن حضرت قاطعانه و کوبنده فرمودند: «كذبوا - اعدا الله - و لكنه نزل على حرف واحد من عند الواحد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۳۰) و حضرت امام باقر علیهما السلام نیز فرموده‌اند: «إن القرآن نزل من عند واحد ولكن الاختلاف يجي ء من قبل الرواه» (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۷۹).

۳. تواتر قرآن و قرائات دو امر متغایر و مختلف است، قرآن ما که به تواتر از امت اسلامی سینه به سینه و نسل به نسل شفاهی و کتباً منتقل گردیده و این تواتری محکم و غیر قابل خدشه است و قرائات مختلفه چون نقل عامه مسلمین نبوده و عده‌ای خاص در پی تعلیم و ترویج آن بوده‌اند، برای اثبات خود نیاز به دست و پا کردن اسناد و

سلسله روایت دارد، ولی قرآن چنین نیست. تواتر قرآن مانند وجود پیامبر اسلام ﷺ به روشنی صبح می‌ماند و برای اثبات تواتر قرآن به قرائت عاصم متوسل نمی‌شویم. عاصم یکی از آن هزاران بوده است که قرآن را به قرائت عامه مردم خوانده و حفص نیز آن را روایت نموده است و اگر قرآن موجود با قرائات مختلفه در روایات نسبت دارد نه آن است که حفص تنها این‌گونه روایت کرده است بلکه تدوین کنندگان قرائات از آن هزاران به یک اکتفا نموده‌اند و گویی عاصم نماینده آن جماعت بسیار یعنی ناس می‌باشد. آن کسانی که امام صادق علیه السلام به قرائت ایشان ترغیب نموده‌اند و فرمودند: «اقرؤا كما یقرا الناس» (کلینی، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۶۳۲).

۴. قرائات صادره از قراء اختیارات و ابداعات ایشان است و ایشان با مقارنه بین قرائات به ایجاد قرائت خاص خود مبادرت نموده‌اند.

۵. اعتقاد به تواتر قرائات تلاش تدوین‌کنندگان قرآن در صدر اسلام و خوف ایشان از اختلاف مردم در قرائت قرآن را بی‌پایه و اساس می‌داند. آیا تلاش امام علی علیه السلام در جمع و تدوین کتاب خدا و ارائه آن به مردم مشحون از اختلافات به اصطلاح مرویه از رسول خدا ﷺ بوده است و یا جمع‌آوری قرآن و تدوین آن توسط عثمان و تلاش برای وحدت امت بر قرائت واحد، پایه و اساسی نداشته است. آیا سوزانیدن مصحف‌های برخی از مسلمانان بدان سبب نبوده که وسیله و ابزاری برای اشاعه اختلافات می‌گردیده است و کتابت آن توسط برخی از مردم خلاف منزلت به روح‌الامین بوده است و آیا این پندار صحیح نیست که ترویج اختلافات در قرائات بعد از توحید مصاحف، احیاء آن اشتباهاتی بوده است که عثمان و دیگران در صدد از بین بردن و زدودن آن از ساحت جامعه مسلمین بوده‌اند.

۶. در صورت متواتر دانستن قرائات منقوله از قراء دیگر محلی برای برشمردن عوامل اختلاف در قرائت و یا اسباب اختلاف در قرائت باقی نمی‌ماند. برشمردن این عوامل و اسباب در کتاب‌های مختلف علم قرائات دلالت واضحی بر ردّ تواتر قرائات و اعتبار آن دارد.

۷. در سلسله قاریان و راویانی که قرآن را از یکدیگر فرا گرفته‌اند، تناقضاتی در قرائت و یا روایت به چشم می‌خورد که مخلاً اعتبار قراءات و تواتر آن است. مثلاً کسائی قرائت خود را از ابوبکر بن عیاش شعبه که از راویان قرائت عاصم است اخذ نموده و ابوبکر بن عیاش قرائت عاصم را روایت کرده است، ولی اختلافات بسیاری در قرائت کسائی و عاصم است. چگونه است که حلقه اتصال یکی است ولی وجوه اختلاف بسیار. آیا این دلالت بر اجتهاد قاری و اختیار قرائت مورد نظر خود ندارد.

۸. حدیث سبعة أحرف هیچ دلالت و تأییدی بر قراءات هفتگانه ندارد، به فرض صحت صدور این حدیث از ساحت مقدس نبی اکرم ﷺ تا آن هنگام که ابن‌مجاهد قاریان سبعة را برگزید و قرائات سبعة را متداول نمود کسی به قرائات هفتگانه اشاره‌ای ننموده است و آنچه از طریق شیعه به ما رسیده این است که سبعة أحرف غیر از قرائات و الفاظ آن است.

۹. جمهور علماء شیعه درباره اختلاف در قرائات و تواتر آن به دیده تردید نگریسته‌اند، برخی اصل اختلافات را با استناد به دلائلی که بعضی از آن در بخش‌های قبل مذکور گشت مردود دانسته و دامن زدن به آن را کاری اشتباه می‌دانند و طبیعی است که این دسته منکر تواتر آن هستند و گروهی نیز به دیده احتیاط در باب آن سخن گفته و قرائات را به طور نسبی و به تواتر از قراء می‌دانند و گروهی قلیل نیز راه افراط پیموده و بر خلاف آراء صریح ائمه علیهم‌السلام اختلاف در قراءات را تأیید نموده و آن را متواتر از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌دانند.

نتیجه‌گیری

پس از آنکه روشن شد که خبر متواتر قابل اعتمادترین نوع خبر است و اگر شرایط تواتر در مورد خبری احراز گردد، هیچ شکی در درستی آن راه پیدا نخواهد کرد. با بررسی سیر تاریخی قرآن کریم و با توجه به همت والای مسلمین به حفظ و حراست قرآن و از طرفی احتجاج کردن و ارجاع دادن مردم از طرف اهل بیت (ع) به قرآن، درمی‌یابیم که شرایط

تواتر در مورد قرآن کریم به طور کامل تحقق یافته است و بنابراین صحت و حجیت اخبار متواتر برای قرآن کریم هم جاری میشود. این امر مورد اتفاق و اجماع همه امت اسلامی است و مخالفت قابل توجهی در آن وجود ندارد. به علاوه اینکه در کلام اهل بیت (ع) که خودشان منبع معارف و هم‌رتبه قرآن هستند، هم تأییداتی در مورد صحت قرآن وجود دارد.

آنچه که نهایتاً برای هر منصفی به دست می‌آید، این است که قرآن کریم که اصلی‌ترین منبع معارف مسلمین است، در طول تاریخ همواره متواتر بوده است و در صحت آن هیچ شکی نیست. آنچه از این بیان استفاده می‌شود این است که متواتر بودن قرآن ارتباطی با قراء ندارد و بحث از تواتر قرآن و قراء سبعة دو بحث از هم منفک هستند. قرآن قطعاً متواتر است، ولی نه به وسیله قرا سبعة، بلکه همه مسلمانان در انتقال آن سهیم بوده‌اند و قرا سبعة صرفاً سرآمدهای قرائت در منطقه خود بوده‌اند.

بدیهی است که قرائت قرا سبعة خبر واحد می‌باشد نه متواتر زیرا که همه قرائت‌های یک منطقه به یک شخص از قرا سبعة برمی‌گردد. زیرا وقتی قرائت قراء سبع بی‌سند باشد و نتوان آنها را به زمان رسول‌الله (ص) و ائمه (ع) متصل کرد، تواتر هفت قرائت نیز امری موهوم خواهد بود. و با بررسی آراء علماء شیعه در باره قرائات و تواتر آن این نتیجه حاصل می‌گردد که اکثر علماء شیعه که مقرون به اجماع است، معتقدند قرائات مختلفه اعم از مشهور یا غیر مشهور متواتر نبوده و آحاد است.

منابع

۱. آرمین، محسن، ترجمه *مناهل العرفان*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۲. ابن الجزری، ابوالخیر، *النشر فی القراءات العشر*، بی‌جا، دار الکتب العلمیة، بی‌تا.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، قم: نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
۴. ابوزهره، محمد، معجزه بزرگ، *پژوهشی در علوم قرآن*، مترجم: محمود ذبیحی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۵. احمدی، حبیب‌الله، *پژوهشی در علوم قرآن*، قم: فاطیما، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ش.
۶. البلاغی، محمد جواد، *آلاء الرحمن فی التفسیر القرآن*، بی‌جا، مطبعة العرفان، ۱۳۵۰ق.
۷. البیلی، احمد، *الاختلاف بین القرائات*، بیروت: دارالجیل، بی‌تا.
۸. البشروی الخراسانی، عبدالله بن محمد، *الواقیه فی اصول الفقه*، بی‌جا: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
۹. جزایری، طاهر بن صالح، *تبیان*، بی‌جا: طبع چاپخانه المنار، بی‌تا.
۱۰. جوان آراسته، حسین، *درسنامه علوم قرآنی*، قم: بوستان کتاب، چاپ ششم، ۱۳۸۰ش.
۱۱. حجتی، محمدباقر، *پژوهشی در تاریخ قرآن کریم*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم، بی‌تا.
۱۲. حجتی، محمدباقر، *مقدمه‌ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم*، انتشارات اسوه، ۱۳۸۶ش.
۱۳. حسینی، سیدمحمدحسین، *نور ملکوت قرآن*، مشهد: انتشارات نور ملکوت قرآن، ۱۴۲۱ق.
۱۴. حر عاملی، محمدبن‌الحسن، *تواتر القرآن*، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیة، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
۱۵. خویی، ابوالقاسم، نجفی، محمدصادق، هاشم‌زاده، هاشم، *بیان در علوم و مسائل کلی قرآن*، تهران: وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۳۵۰ش.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین، *مفردات*، بیروت: دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۷. رکنی، محمدمهدی، *آشنایی با علون قرآنی*، مشهد: آستان قدس، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
۱۸. زرقانی، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، بی‌تا.

۱۹. زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، قاهره: مکتبه دارالترا، بی‌تا.
۲۰. سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العربی، بی‌تا.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۲. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، قم: منشورات الرضی، چاپ پنجم، ۱۳۷۲ش.
۲۳. طیب، سیدعبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، ۱۳۷۸ش.
۲۴. فاضل لنکرانی، محمد، مقدمات بنیادین علم تفسیر، تهران: بنیاد قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
۲۵. فاضل لنکرانی، محمد، مدخل التفسیر، تهران: مطبعه الحیدری، چاپ اول، ۱۳۶۹ق.
۲۶. فضلی، عبدالهادی، مقدمه‌ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم، مترجم محمدباقر حجتی، تهران: اسوه، ۱۳۸۶ش.
۲۷. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲ش.
۲۸. کمالی، سیدعلی، شناخت قرآن، تهران: اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۰ش.
۲۹. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۳۰. مجاهد، سید محمد، مفاتیح الاصول، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۱. محمدآبادی، حجت، منطق نموداری، قم: انتشارات قدس، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
۳۲. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، علوم القرآن عندالمفسرون، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.
۳۳. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه، چاپ دوم، ۱۳۶۶ش.
۳۴. همو، تاریخ قرآن، تهران: سمت، چاپ پنجم، ۱۳۸۲ش.
۳۵. مودب، سیدرضا، نزول قرآن و روای هفت حرف، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ش.
۳۶. موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، دانشنامه جهان اسلام، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۷. میرمحمدی، سیدابوالفضل، تاریخ و علوم قرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ یازدهم، ۱۳۷۷ش.